



سال چهارم • بهار و تابستان ۹۷ • شماره ۸

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol. 4, No. 8, Spring & Summer 2018

سبک اسلامی ارتباط همسران: ارائه الگو بر اساس حدیث نثرالدّر

مسعود نورعلیزاده میانجی *

چکیده

هر یک از همسران در خانواده و به‌ویژه در روابط زناشویی، نقش‌ها و کارکردهای خاصی دارند و برای افزایش کارایی‌شان نیازمند الگوهای تعاملی مناسب‌اند. با هدف بررسی سبک رفتاری و ارتباطی زن و شوهر در آموزه‌های اسلامی، محتوای متون اسلامی با محوریت حدیث نثرالدّر، تحلیل کیفی شد. با به‌کارگیری روش فهم روان‌شناختی متون اسلامی و با استفاده از فن «گسترش متن هسته‌ای»، الگوی ارتباطی متناظر سه‌گانه برای هر یک از زن و مرد (همراهی در مدیریت مقتدرانه، خوش‌رفتاری در حمایت‌گری، گشاده‌دستی در مهیا‌کنندگی برای مردان و صیانت در مراقبت‌کنندگی، رسیدگی در پرورش‌دهندگی و دلربایی در مهرورزی برای زنان) به دست آمد. همسران می‌توانند با به‌کار بستن این الگو، توان کارکردهای اختصاصی خود و در نتیجه سازگاری، رضایت و کیفیت زندگی مشترکشان را افزایش دهند.

کلیدواژه‌ها: سبک اسلامی، ارتباط همسران، الگوی شیوه‌های رفتاری، کارکردها و نقش‌های همسران، فن گسترش متن هسته‌ای

* دانش‌آموخته سطح عالی، حوزه علمیه قم و دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) | mnoor57@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۶

مقدمه

دین، راه و رسم زندگی است و سبک زندگی‌ای که دین عرضه می‌کند، برای سالم‌سازی رفتارها و روابط انسانی، به‌ویژه در بستر خانواده و در جهت کسب مهر و مودت، آرامش و آسایش و کمال و سعادت است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سبک زندگی اسلامی، درباره چگونگی تعامل همسران است. پیاده‌سازی این نوع سبک زندگی در خانواده و عمل کردن به آموزه‌های دینی، می‌تواند در کم کردن فاصله بین همسران، ایجاد سازگاری و تفاهم و سلامت‌بخشی به روابط آنها بسیار مؤثر باشد. پژوهش سلم‌آبادی، کلاتر کوشه و شفیع‌آبادی (۱۳۹۳) و حیرت، فاتحی‌زاده، احمدی، اعتمادی، و بهرام (۱۳۹۳) نشان داد سبک زندگی اسلامی همسران تأثیر مستقیم و مثبت در سازگاری زناشویی داشته و نتایج بررسی باقریان و بهشتی (۱۳۹۰) همسو با بسیاری پژوهش‌ها (اپستین^۱ و همکاران، ۲۰۰۵؛ ناتانیل^۲ و دیوید، ۲۰۰۶؛ یالسین^۴ و کارهان، ۲۰۰۷) نیز حاکی از این بود که آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در سازگاری زناشویی تأثیر مثبت دارد.

وجود تفاوت بین زن و مرد که از نیازها و ویژگی‌های متفاوت آنها نشئت می‌گیرد، گاه سبب ایجاد برخی فاصله‌ها میان همسران و در نتیجه بروز اختلاف و تعارض می‌شود. از این رو، بهتر است به دنبال راهکارهای کاستن فاصله‌ها و ایجاد تفاهم و همراهی هرچه بیشتر باشیم. تفاوت‌ها را نمی‌توان از بین برد، اما می‌توان درک متقابل و تعامل سازنده را افزایش داد؛ چراکه وجود این‌گونه تفاوت‌ها، طبیعت خلقت انسان است و خداوند حکیم آن را در جهت دستیابی به اهداف متعالی در وجود انسان قرار داده است. اساساً وجود تفاوت، به نفع انسان است؛ چراکه بر اثر این تفاوت‌ها، انسان می‌تواند به رشد و تکامل لازم دست یابد. زن و مرد نقش‌ها و کارکردهای خاصی در زندگی زناشویی دارند و این نیازها و تفاوت‌ها در راستای همین نقش‌ها و کارکردها طراحی شده است. این که گفته می‌شود زن و مرد مکمل یکدیگرند نیز بدین صورت می‌تواند معنا پیدا کند؛ یعنی هرکدام از آنها ویژگی‌های اختصاصی دارند تا بتوانند نقش‌ها و کارکردهای مخصوص خود را در کانون

1. Epstein, N. B
3. Nathaniel, M
5. Karahan, T

2. David, C
4. Yalcin, B

خانواده داشته باشند و در نتیجه بتوانند زمینه‌های بالندگی خود و فرزندانشان را فراهم سازند.

مطالعات مبتنی بر جنسیت در فرهنگ‌های گوناگون، تفاوت زن و مرد را به‌ویژه از نظر نقش‌ها و عملکردهای جنسیتی متناسب خود مورد تأکید قرار داده‌اند. مطالعات میان‌فرهنگی نیز جهان‌شمولی توزیع نقش‌ها را برحسب جنسیت تأیید کرده‌اند. در پژوهشی درباره نقش‌های خانوادگی ابرازی^۱، یعنی نقش‌های ناظر به سازگاری گروه خانوادگی با شرایط خارجی فیزیکی و اجتماعی و نقش‌های خانوادگی ابرازی^۲، یعنی نقش‌های ناظر به مراقبت از اعضا و حمایت عاطفی، روشن شد که در ۴۶ جامعه از ۵۶ جامعه مورد مطالعه، تمایز میان نقش‌های ابرازی و ابرازی به شکل مورد انتظار، یعنی به این صورت که قسم اول به مردان و قسم دوم به زنان اختصاص یابد، وجود داشته است (لی^۳ و نویی^۴، ۱۹۹۵، ص ۲۸۹). طبق یافته‌های محققانی چون میلر^۵ و گیلیگان^۶ این نقش‌ها و کارکردها به لحاظ روان‌شناختی به ویژگی‌های شخصیتی متفاوت زنان و مردان برمی‌گردد. در حالی که مردان خود را مقتدر، حامی و تأمین‌کننده خانواده می‌یابند، زنان در خود احساس نیاز به محبت و پیوندجویی و هویت ارتباطی و نیز احساس مسئولیت نسبت به دیگران می‌کنند. همین رگه‌های مختلف، کارکردهای متفاوتی را می‌سازد که مهم‌ترین نموده‌های آن در مهرورزی، مراقبت‌کنندگی و پرورش‌دهندگی زنان و در اقتدار، حمایت‌گری و مهیاکنندگی مردان تجلی می‌یابد (پناهی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲ و ۱۱۶).

از مهم‌ترین تفاوت‌های آشکار زنان و مردان، تفاوت در عواطف و احساسات است. روابط اجتماعی قوی، توجه به دیگران، نوع‌دوستی، صمیمیت و حمایت از دیگران، از ویژگی‌های زنان است. زنان به همدردی و همدلی بسیار حساس‌اند، ویژگی همدلی و عواطف زنانه سبب می‌شود که آنان بهتر و سریع‌تر بتوانند تغییرات احساسی و عاطفی دیگران را حس کنند و آسان‌تر افکار و احساسات خود را با دیگران سازگار و از دیگران مراقبت کنند (بارون کوهن، ۱۳۸۴، ص ۶۹ - ۷۱). با توجه به ویژگی‌هایی همچون عاطفی بودن و آرامش‌گری زنان که در آموزه‌های دینی بدان اشاره شده و می‌فرماید: «همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید»^۷

1. Instrumental
3. Lee, D
5. Miller, J. B

2. expressive
4. Newby, N
6. Gilligan, C

۷. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا

اعراف، ۱۸۹) و «خداوند زن را برای تو مایه آرامش و انس و محبت قرار داد»^۱ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۱) می‌توان ادعا کرد که زنان در بعد پرورش و مراقبت، توانایی بیشتری دارند و علاقه بیشتری نیز در این رابطه نشان می‌دهند (پناهی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹). از همین رو، رسول خدا ﷺ دختران را چنین توصیف می‌کنند: «چه خوب‌اند فرزندان دختر؛ اهل ملاحظت و نرمی، کمک‌کننده و یاری‌رسان، انس‌گیرنده، با خیر و بابرکت و اهل پاکیزگی»^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵).

آموزه‌های اسلامی، سبکی از زندگی مشترک را برای همسران پیشنهاد می‌کند که در آن، مجموعه‌ای از شیوه‌های ارتباطی برای کم کردن این فاصله‌ها و افزایش پیوند میان آنها به کار گرفته شود. این تأثیرگذاری زمانی کاملاً حاصل می‌شود که این راهکارها به صورت ویژگی فردی و به صورت سبک رفتاری در روابط همسران درآید. برای داشتن سبکی رفتاری، درونی و نهادینه کردن برخی ویژگی‌های مطابق با آن در انسان ضروری است. از آنجاکه ابعاد روابط همسران و شیوه‌های رفتاری آنها بسیار متنوع و گسترده است و پرداختن به همه آنها از غنا و عمق پژوهشی می‌کاهد، لازم است از زوایای مختلف به آن پرداخته شود و این ابعاد و شیوه‌ها به صورت جداگانه و در قالب خاصی بررسی شود. از این رو، پژوهش کنونی با هدف دستیابی به این‌گونه سبک‌های رفتاری در ارتباط میان همسران، متناسب با نقش‌ها و کارکردهای اختصاصی آنها در خانواده انجام گرفت.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که در آن با استفاده از روش فهم روان‌شناختی متون اسلامی (قرآن و حدیث) و تحلیل کیفی محتوای این متون^۳ با محوریت حدیث نثرالدّرر و با کاربری فن «گسترش متن هسته‌ای» به گردآوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و استنتاج اطلاعات پرداخته می‌شود. روش فهم روان‌شناختی متون اسلامی را ابتدا پسندیده (۱۳۸۶) ارائه و سپس نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۷) توسعه داده است. در فن گسترش متن هسته‌ای که برای اولین بار در این پژوهش معرفی شده است، یک متن اساسی (در این پژوهش حدیث نثرالدّرر)، در هسته و محور پژوهش قرار می‌گیرد. سپس با توجه به بخش‌های مختلف آن، به گسترش خانواده قرآنی و حدیثی آنها پرداخته و در نهایت، فرایند تحلیل و

۱. أَمَا حَتَّى الرَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ هَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا
 ۲. نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَّفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤْنِسَاتٌ مُبَارِكَاتٌ مُفْلِحَاتٌ

فهم‌پژوهی با رویکرد روان‌شناختی، با توجه به مجموعه خانواده متون اسلامی و با تمرکز بر روی متن پایه انجام می‌شود.

برای گردآوری اطلاعات، از روش اسنادی^۱ در تلفیق فن خانواده متون اسلامی استفاده می‌شود. همه آیات و روایات، جامعه اسنادی این پژوهش را تشکیل می‌دهند که از میان آنها آیات و روایاتی که شامل کلیدواژه‌ها، مفاهیم و مضمون متن هسته‌ای (حدیث نثرالدّرر) است نمونه‌ها یا واحدهای پژوهشی (اسناد متنی) انتخاب و در جداول خانواده متون اسلامی ساماندهی می‌شوند. همچنین با توجه به استلزامات پیشینه پژوهش و دیگر بخش‌های مقاله، در خصوص اسناد روان‌شناختی در حوزه روابط همسران و مدل‌های ارائه شده اندیشه‌ورزان و پژوهشگران روان‌شناسی خانواده نیز بدین صورت عمل می‌شود (مارشال^۲ و روسمن^۳، ۲۰۰۶، ص ۱۰۸؛ موزر^۴ و کالتون^۵، ۲۰۱۶، ص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۵۴؛ ساعی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶).

گزینش اسناد، با روش نمونه‌گیری هدف‌دار گلوله برفی یا زنجیره‌ای انجام می‌شود. بدین صورت که با مراجعه به جامعه اسناد (آیات و روایات) متون متناسب با اهداف پژوهشی انتخاب و تا مرحله کامل شدن، یعنی تا مرحله اطمینان نسبی از عدم وجود اسناد مناسب‌تر ادامه می‌یابد. حال، هم‌زمان با سنجش میزان اصالت، واقعی و اعتبار منابع و اسناد، دقت و صحت اطلاعات، همخوانی و انطباق با مسئله و نظام‌مندی و روزآمدی (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷؛ ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۳۲)، داده‌های اسنادی از طریق یادداشت‌برداری و فیش‌نگاری دیجیتال گردآوری می‌شوند. در نهایت، با تشکیل پرونده علمی اطلاعات به دست آمده است به گونه‌ای سامان داده می‌شود که از منطق خاصی پیروی کند تا بتوان به پرسش‌های پژوهشی پاسخ داد (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳).

همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از برخی تکنیک‌های موجود در تحلیل محتوای کیفی، تحلیل مضمون^۶ و تفسیر متون^۷ بهره گرفته می‌شود. بدین منظور، ابتدا اطلاعات استخراج شده از اسناد بر اساس واحدهای تحلیل، مورد متن‌کاوی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس تأمل و تفهیم در مضمون متن‌ها، استنتاج‌ها، استنباط‌ها و تفسیرهای لازم به گونه منطقی و به صورت مستند و

1. documentary method
3. Rossmann, G
5. Kalton, G
7. textual interpretation

2. Marshall, C
4. Moser, C
6. thematic analysis

مستدل انجام می‌پذیرد (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۰؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۵ - ۴۴؛ ابوالعالی الحسینی، ۱۳۹۲، ص ۸۳ - ۱۰۲؛ ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ج ۲، ص ۲۹۳ و ۳۱۳).

یافته‌ها

طبق یافته‌های پژوهش حاضر و برآمده از آموزه‌های اسلامی که با محوریت متن هسته‌ای نثرالدرر انجام گرفت، الگوی متناظر سه‌گانه‌ای از سبک ارتباطی همسران به دست آمد که در آن هر یک از زن و مرد لازم است مطابق با نقش‌ها و کارکردهای اختصاصی خود، شیوه‌های رفتاری خاصی را در روابطشان به‌کارگیرند تا ارتباط زناشویی سازنده‌ای داشته باشند. در این بخش ابتدا این ویژگی‌های سه‌گانه توصیف و سپس در قالب کارکردها و شیوه‌های ارتباطی مردان و زنان به تحلیل و تبیین آنها پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های سه‌گانه در ارتباط زن و شوهر

همسران برای داشتن زندگی سعادت‌مند و رضایت‌بخش، باید روابط میان خود را بر اساس صمیمیت و احترام، همدلی و همراهی، دل‌انگیزی و دلربایی، خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری، عشق‌ورزی و مهربانی و گذشت و فداکاری تنظیم کنند. بدین منظور، شایسته است همسران به مهارت‌افزایی ارتباطی و تحکیم جنبه‌های عاطفی و رفتاری روابطشان که لازمه آن مصاحبت عاشقانه و مودت‌آمیز با یکدیگر است، اهتمام داشته باشند. امام صادق علیه السلام در بخشی از حدیث مفصل و مشهور به «نثرالدرر»، درباره سه ویژگی و خصلت که هریک از همسران برای داشتن زندگی مشترک مطلوب، سازنده و رضایت‌بخش و افزایش توان کارکردهای آن در روابط زناشویی به آنها نیاز دارند، می‌فرماید: «لَا غَنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمُوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَمَحَبَّتَهَا وَهَوَاهَا وَحُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا وَاسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَتَوْسِعَتُهُ عَلَيْهَا وَلَا غَنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَهِنَّ صِيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنْسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قَلْبُهُ إِلَى الثِّقَةِ بِهَا فِي حَالِ الْمَحْبُوبِ وَالْمَكْرُوهِ وَحِيَاطَتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا إِظْهَارُ الْعَشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ» (حرانی، ۱۴۰۴، ق، ص ۳۲۳). مرد در روابط زناشویی با همسرش، از سه ویژگی بی‌نیاز نیست: ۱. همراهی و سازگاری با همسر برای جلب توافق و همراهی متقابل، محبت و دل‌بستگی و تمایل او؛ ۲. خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری با همسر، همچنین دل‌انگیزی و به دست آوردن دل او با خوش‌پوشی و آراستگی؛ ۳. گشاده‌دستی و فراهم کردن زندگی راحت برای او. زن نیز در زندگی مشترک با شوهر همراهش، از سه ویژگی بی‌نیاز نیست: ۱. صیانت و حفظ خود از هر پلیدی و آلودگی تا شوهرش با

اعتماد به او در هر شرایط خوشایند یا ناخوشایندی در اطمینان و آرامش به سر برد؛ ۲. رسیدگی به شوهر تا اگر لغزشی هم از او سر زند، با مهربانی و عطف با او برخورد کند؛ ۳. اظهار عشق به شوهر، با عشوه گری، دلبری، آراستگی و زیبا جلوه دادن خودش در نظر همسرش.

جالب آن که راهکارهای یادشده برای تقویت و تحکیم روابط زناشویی، با بسیاری از نیازهای مهم و کارکردهای اساسی مرد و زن در خانواده انطباق دارد. اگر هرکدام از همسران این کارکردها و نقش‌ها را به درستی ایفا نکنند، خانواده دچار تنش و تزلزل می‌شود.

جدول ۱: سه ویژگی ارتباطی و کارکرد بایسته برای مردان

نقش‌ها و کارکردهای مردان	ویژگی‌های رفتاری یا شیوه‌های ارتباطی	توضیح متنی تئرال‌در
مدیریت مقتدرانه	همراهی و سازگاری	این کار سبب جلب همراهی، محبت و تمایل همسر نسبت خود می‌شود
حمایتگری	خوش رفتاری و دل‌انگیزی	دل‌انگیزی با خوش تیپ کردن خود، به گونه‌ای که نیکو به نظر برسد
مهیاکنندگی	گشاده‌دستی	با فراهم کردن زندگی راحت برای همسر

هرکدام از همسران لازم است کارکردهای اختصاصی خود را به خوبی ایفا کنند تا در روابط زناشویی دچار مشکل نشوند. در واقع این کارکردها برای سازندگی و بالندگی کانون خانواده، بسیار حیاتی‌اند. در نظام خانواده، اگر در ایفای نقش‌ها ناهماهنگی پیش آید و وظایف و مسئولیت‌ها به درستی انجام نشوند، تعارض‌های زناشویی شکل خواهد گرفت؛ اما کارکرد مناسب هر یک از اعضا در نقش خویش، پایداری و شادکامی و در نتیجه رضامندی را به خانواده ارزانی خواهد داشت. در جدول ۱ و ۲، متناسب با نقش‌ها و کارکردهای مرد و زن که هرکدام از آنها لازم داشته باشند، شیوه‌های رفتاری و سبک‌های ارتباطی لازم برای هرکدام آمده است.

جدول ۲: سه ویژگی ارتباطی و کارکرد بایسته برای زنان

نقش‌ها و کارکردهای مردان	ویژگی‌های رفتاری یا شیوه‌های ارتباطی	توضیح متنی تئرال‌در
مراقبت‌کنندگی و محافظت‌کنندگی	صبانت و خویش‌داری	با حفظ کردن خود از هر پلیدی و آلودگی تا شوهرش با اعتماد داشتن به او در هر شرایط خوشایند یا ناخوشایندی، در اطمینان و آرامش به سر برد.
پرورش‌دهندگی	رسیدگی	با مراقبت از شوهر و رسیدگی به او، اگر لغزشی هم از او سر زند، با مهربانی و عطف با او برخورد می‌کند.
مهرورزی و عشق‌ورزی	دلربایی	اظهار عشق به شوهر، با عشوه و دلربایی کردن و آراستگی و زیبا جلوه دادن خویش در نظر او.



کارکردها و شیوه‌های ارتباطی مردان

کارایی و عملکرد خوب و سالم خانواده بر توزیع نقش‌های گوناگون زن و شوهر استوار است. خانواده درمانگران سیستمی اعتقاد دارند، معیار سلامتی و بهنجاری خانواده این است که هر کس در جایگاه و نقش متناسب با خود قرار گیرد. زن و مرد نقش‌های متفاوت و البته مکملی را در نظام خانواده ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین دلایل و ملاک‌های تفاوت نقش‌ها و مسئولیت‌ها، تفاوت در ویژگی‌های روان‌شناختی و کارکردهای متفاوت زن و مرد است. مدیریت مقتدرانه، حمایت‌گری و مهیاکنندگی، کارکردهای اختصاصی مردان و مراقبت‌کنندگی، پرورش‌دهندگی و مهرورزی نیز کارکردهای اختصاصی زنان به شمار می‌رود که ایفای هرکدام از آنها نیازمند مجموعه‌ای از راهکارهای رفتاری و ارتباطی است.

۱. همراهی در مدیریت مقتدرانه

مدیریت همراه با اقتدار، مهم‌ترین نقش مرد در کانون خانواده است (نساء، ۳۴). از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است: «عصای خود را از سر خانواده‌ات برم‌دار»^۱ (سیدرضی، ۱۴۲۲، ص ۲۷۹). هرچند برخی به اشتباه از این تعبیر، تنبیه و ضرب‌وشتم زن را برداشت کرده‌اند؛ اما این بیان، استعاره‌ای از مدیریت و هدایت مقتدرانه خانواده و همچنین تربیت و تأدیب استوار آن است (زمخسری، ۱۹۷۹، ص ۴۲۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۶).

مردان در روابط خود عمودی و سلسله‌مراتبی عمل می‌کنند و تمایل به تسلط بر دیگران دارند. آنان خواستار آن‌اند تا در نظام خانواده از اقتدار بیشتری برخوردار باشند و «مرجع قدرت» تلقی شوند. نیاز و سعادت آنها درگرو اعمال مدیریت و سرپرستی خانواده است^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۳). مرد به جایگاه خود بسیار اهمیت می‌دهد و دوست دارد در رأس هرم خانواده جای داشته باشد و تصمیم‌های اساسی را بگیرد. وی از همسرش نیز می‌خواهد تا این جایگاه را پاس داشته و به توانمندی‌ها، شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایش توجه داشته باشد و آن را تأیید کند. او از همسرش انتظار دارد تا در این امر همراهی کرده و از او تبعیت کند؛ اما سؤال این است که مرد چگونه می‌تواند توافق و تبعیت همسرش را جلب کند تا بتواند این کارکرد اساسی و نقش خود را به

۱. لَا تَرْفَعْ عَصَاكَ عَنْ أَهْلِكَ

۲. مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقِيمَ عَلَى عِيَالِهِ

شایستگی ایفا کند؟

بدین منظور آموزه‌های اسلامی همراهی و سازگاری که همراه انعطاف‌پذیری و ملاحظت باشد را پیشنهاد می‌کند. امام صادق علیه السلام در حدیث نثر الدرر مردان را به «همراهی و مطابقت» در روابط خویش با همسرشان توصیه می‌کند: «الْمُؤَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُؤَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا؛ همراهی و سازگاری با همسر برای جلب توافقی و همراهی متقابل، محبت و تمایل او». «موافقیت» برآمده از واژه «وفق» به معنای مطابقت و همسانی میان دو چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۷)؛ یعنی منطبق و مثل هم بودن دو همسر در فکر و عمل، گویا آن‌ها اتفاق نظر دارند و اختلاف و تعارض فکری و رفتاری بین آنها نیست. صیغه مفاعله نیز بر داشتن استمرار در این هم‌فکری و هم‌مسلمی و سایر خصوصیات دلالت دارد. وفق و همراهی با تبعیت و پیروی نیز متفاوت است. در تبعیت نوعی تقدم و تأخر و اقتدا و دنباله‌روی وجود دارد؛ اما در موافقت، مثل هم بودن و در چیزی منطبق و یک‌دست بودن است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۵۹). در واقع وجه تمایز مدیریت مقتدرانه با مدیریت سلطه‌گرایانه و مستبدانه در همین ویژگی «موافقیت» خلاصه می‌گردد. مرد از این طریق نه تنها می‌تواند همراهی و تبعیت همسرش را به دست آورد، بلکه دلبستگی‌ها، گرایش‌ها و تمایلات او را به سمت خود جلب می‌کند و در واقع قلب او را از آن خود می‌کند؛ یعنی زن نه فقط در ظاهر و صرفاً از روی تکلیف، بلکه قلباً و از نظر عاطفی و روانی نیز همراهی می‌کند؛ در واقع همراهی همه‌جانبه و با رضایت و به دور از دل‌آزردگی و روان‌رنجوری خواهد بود.

گاتمن^۱ (۱۹۹۳) معتقد است زوج‌هایی که عقاید و نگرش‌های یکسان و هماهنگی دارند، در زندگی زناشویی سازگارترند. نتیجه پژوهش مارکوسکی^۲ و گرینوود^۳ (۱۹۸۴) نیز نشان می‌دهد توافق نسبت به موضوعات مهم زندگی یکی از مسائلی است که در توفیق و سازگاری زناشویی نقش مؤثری دارد. در واقع «وفق» همراه با پذیرش و رضایت است و در سلسله‌مراتب آن، مدارا و سازگاری همراه با ملاحظت و نرمی در رفتار موج می‌زند. از همین رو، امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارشی به فرزندش می‌فرماید: «زن شاخه گل را ماند؛ بسیار لطیف، پیشکار (خدمتکار و نوکر امور شخصی شوهر) نیست؛ پس همیشه با او به مدارا و نرمی رفتار کن و با زبان خوش و روی باز با

1. Gottman, J

2. Markowski, E

3. Greenwood, P

وی پیامیز تا زندگی تو با آرامش و صفا بگذرد»^۱ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۶)؛ بنابراین، همراهی مستلزم تصحیح خطای فکری یا کلیشه ذهنی پیشکار و خدمتکار بودن همسر، انعطاف‌پذیری و نرمی در رفتار و ملاحظت و خوش‌زبانی با اوست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردان شایسته را چنین توصیف می‌کنند: بهترین مردان امت من، آن‌اند که نسبت به خانواده خود، خودبزرگ‌بین و گردن‌فراز نباشد بر آنان ترحم و نرمی داشته باشند و به آنان آزار نرسانند. سپس این آیه را خواندند: «مردان، سرپرست زنان‌اند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است»^۲ (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۷؛ نساء، ۳۴). این حدیث با اشاره به آیه سرپرستی و مدیریت مردان بر زنان، این پیام ویژه را دارد که هرچند مردان برخی برتری‌های مدیریتی را دارند، اما این نکته اساساً به معنای رفتار متکبرانه و گردن‌فرازی همراه با اظهار فضل و برتری نیست و لازم است به‌جای ستم و آزار، با شفقت و مهربانی با همسرانشان رفتار کنند.

در برابر مردان مقتدر همراه، مردان زورگو و سلطه‌گر، خودرأی و مستبد قرار دارند و همواره در ارتباط خود با همسر حالت تحکم و دستوری دارند و نیازی به هم‌کلامی و توضیح نمی‌بینند. آنها جایگاهی برای همسر در تصمیم‌گیری‌ها قائل نیستند و توجه ندارند که آنها نیاز به احترام، جایگاه و احساس ارزشمندی دارند و دوست دارند که شوهرشان با او گفت‌وگو و مشورت کنند. این در حالی است که در سبک اسلامی، ساختار قدرت در خانواده بر اساس اصول معاشرت معروف (نساء، ۱۹)، عدالت (مائده، ۸؛ نساء، ۳) و مشورت در خانواده (طلاق، ۶؛ بقره، ۲۳۳) است. در واقع ساختار قدرت در خانواده ساختاری دموکراتیک است؛ یعنی همسران در مسائل درون خانواده با تعامل صحیح، گفت‌وگو و مشورت با هم تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که ساختار دموکراتیک مرد مقتدر در مقایسه با ساختار مردسالار، زن‌سالار و دموکراتیک زن مقتدر، بیشترین کارآمدی را دارد (زارعی، جان‌بزرگی و احمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

ساختار قدرت مبتنی بر نیاز و نقش است، نه می‌توان آن را متقارن و نه می‌توان

۱. إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَةٍ فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ خَالٍ وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ

۲. خَيْرَ الرِّجَالِ مَنْ أَمَّتِي الَّذِينَ لَا يَبْطَأُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَيَحْتُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَظْلِمُونَهُمْ؛ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ

آن را نامتقارن نامید، بلکه باید آن را قدرت متعادل نام نهاد که در آن هر زوج بر اساس توان و مهارت خود و بر اساس فطرت روان‌شناختی خود مسئولیت می‌پذیرد. در اینجا، هم زن و هم مرد تسلیم قوانین وجودی خود و یکدیگرند. زن و مرد هر دو نیاز به قدرت و نیاز به مهر دارند، اما نیاز به قدرت در مردان بسیار بیشتر و اساسی‌تر است. برعکس نیاز به مهر در زنان به شکل بارزتری بروز می‌کند. از سوی دیگر، مرد جذاب از نگاه زنان، مرد مقتدر و توانا است و زن موردعلاقه مردان، غالباً زن ملایم و لطیف است. یافته‌های بوریس^۱ و زسویک^۲ (۱۹۶۴) نشان داد زنان در ازدواج‌هایی که مرد تسلط دموکراتیک بیشتری دارد، رضامندی زناشویی بیشتری دارند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین پژوهش ذوالفقارپور، حسینیان، و یزدی (۱۳۸۳) نشان داد افزایش قدرت زن در خانواده، رضامندی زناشویی را کاهش می‌دهد.

خانواده در مانگران سیستمی، همانند مینوچین^۳ (۱۹۷۴) و هی‌لی^۴ (۱۹۷۶)، وجود سلسله‌مراتب روشن و صریح درون خانوادگی را از مسائل ضروری در کارآمدی خانواده می‌دانند. بر هم خوردن ترتیب سلسله‌مراتب قدرت در خانواده، سبب بروز کشمکش و تنازع قدرت در خانواده می‌گردد. طبق نتایج پژوهش زارعی و همکاران (۱۳۹۲) نیز ساختار زن‌سالار دارای کمترین کارآمدی است. مردانی که قدرت آنها تضعیف می‌شود یا همسرشان از قدرت بیشتری برخوردارند، احساس ناکارآمدی می‌کنند و احساس ناکارآمدی و حقارت می‌تواند به شکل ناکامی، عصبانیت و خشونت بروز کند. علاوه بر این مردانی که احساس عدم لیاقت در نقش خود داشته باشند، به مرور، احساس ضعف بیشتری می‌کنند و از ایفای نقش و حمایت و نظارت آنها کاسته می‌شود. از همین رو است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اگر زنان تو را صاحب اقتدار ببیند بهتر است از آنکه تو را به حال شکستگی و ضعف بنگرند»^۵ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۲۱۴).

۲. خوش‌رفتاری در حمایت‌گری

از کارکردهای مهم مردان، ویژگی «حمایت‌کنندگی» آنان است. مردان موفق کسانی‌اند که بتوانند کارکرد حمایتی خود را در جنبه‌های گوناگون روابط زناشویی بروز دهند. مردانی که از تمام ظرفیت

1. Buric, O

2. Zecevic, A

3. Minuchin, S

4. Haley, J

۵. هُنَّ تَرَيْنَ اَنَّكَ ذُو اَقْتِدَارٍ حَيْرٌ مِنْ اَنْ يَعْثُرَنَّ مِنْكَ عَلٰى اَنْكِسَارٍ

خود برای حمایت از همسرشان بهره می‌برند، رضایت زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند. حمایت به معنای پشتیبانی کردن؛ یعنی پشت و پناه بودن، یاری‌رسانی و تکیه‌گاه بودن برای همسر است. زنان نیز وقتی به مردی که حمایت‌کننده و پشتیبان خوبی است و در حق او نیکی می‌کند، تکیه می‌کنند، احساس رضایت و آرامش می‌کنند. آنان دوست دارند شوهرشان نه تنها در روزهای عادی و خوشی، بلکه در روزهای سختی و مشکلات، هنگام بیماری، وقتی به والدین مریضش می‌خواهد رسیدگی کند، وقتی می‌خواهد درس بخواند یا فعالیت اجتماعی داشته باشد و حتی وقتی می‌خواهد رشد معنوی یابد و رسم بندگی خدا را بجا آورد، همه‌جانبه از او حمایت کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۴ و ۲۴) و یار و یاور، تسهیل‌بخش، مشوق و همراه او باشد (اسچوماچر^۱ و لئونارد^۲، ۲۰۰۵، ص ۲۸-۳۹). از همین رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف بهترین مردان، به این مسئله اشاره می‌کند و می‌فرماید: «بهترین مردان شما آن کسی است که... خانواده‌اش را به امید و پناه دیگران نمی‌گذارد»^۳ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۷). ایشان خود را بهترین‌الگوی معرفی می‌کند که در سبک زندگی خود برای خانواده‌اش بهترین و نیکوکارترین بوده است: «بهترین شما آن کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من، بهترین شما برای خانواده‌ام هستم»^۴ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۵).

از مهم‌ترین جنبه‌های حمایت‌گری مردان، حمایت عاطفی است. مرد لازم است با تأمین نیازهای روانی همسرش، شرایط لازم برای فوران استعدادهای بی‌کران او را فراهم کند تا با ظهور استعدادهای فراوان، توان‌کردانی زن را در خانه‌اش فراهم آورد. بدیهی است که تأمین این‌گونه نیازها و حمایت عاطفی همسر بدون اخلاق نیکو و خوش‌رفتاری به دست نمی‌آید. در واقع وقتی مرد تعامل سازنده و معاشرت خوب با همسرش ندارد و با او بدرفتاری می‌کند، نه تنها در دیگر جنبه‌های پیش‌گفته نمی‌تواند از همسرش حمایت کند، بلکه امنیت روانی او را در مسیر زندگی نمی‌تواند فراهم سازد. خانواده‌کانونی است که هرچه باصفا و گرم‌تر باشد، زندگی را شیرین‌تر می‌کند و محلی برای سازندگی و رشد بهتر می‌شود. رفتار و اخلاق نیکو، از عوامل مؤثر بر گرما بخشیدن به کانون خانواده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «کسی که ایمانش بیش از دیگران است، اخلاقش نیکوتر و به خانواده‌اش مهربان‌تر است؛ و

1. Schumacher, J

2. Leonard, K

۳. إِنَّ مِنْ خَيْرِ رِجَالِكُمْ... وَلَا يَلْجِئُ عِيَالَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ

۴. خَيْرِكُمْ خَيْرِكُمْ لِأَهْلِيهِ وَأَنَا خَيْرِكُمْ لِأَهْلِي

من به خانواده خود، مهربان‌ترم»^۱ (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸).

بدین منظور، امام صادق علیه السلام نیز در حدیث نثرالدّرر، آراستگی باطنی و ظاهری را دستور کار مردان در روابطشان با همسرشان قرار می‌دهد: «حُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا وَاسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا؛ خوش خلقی و خوش رفتاری با او و دل‌انگیزی و به دست آوردن او با خوش پوشی و آراستگی». دل‌انگیزی از طریق آراستگی ظاهری، آن‌گونه که همسر می‌پسندد، نیز از جمله مسائلی است که امروزه از آن غفلت شده است، درحالی‌که توجه ائمه اطهار علیهم السلام به نیازهای همسرانشان در این باره، بسیار قابل توجه است؛ تا آنجا که حتی حاضر بودند به خاطر همسر محبوبشان لباسی را که حتی مناسب نمی‌دیدند، بر تن کنند. مالک بن اعین می‌گوید: خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیدم. دیدم رویوش سرخ‌رنگ و تندی پوشیده است. لبخندی زدم. فرمود: می‌دانم چرا خندیدی. از این جامه من خنده‌ات گرفت. زنی از قبیله بنی ثقیف دارم که مرا وادار به پوشیدن این لباس کرد. من او را دوست دارم و او از من خواست که برخلاف علاقه‌ام، آن را بپوشم. سپس فرمود: ولی ما با این جامه نماز نمی‌خوانیم و شما نیز در لباس سرخگون نماز نگزارید. مالک گفت: بعداً باز خدمتش رسیدم. دیدم آن زن را طلاق داده است. امام فرمود: دیدم از علی علیه السلام بیزاری می‌جوید و با این کار، دیگر تاب نیاوردم که او را نگه دارم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۴۷). البته گفتنی است لباسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای پوشیدن در منزل برای همسرانشان انتخاب می‌کردند، زردرنگ بود. «رسول خدا صلی الله علیه و آله روپوشی داشت که با گیاهی خوش‌بو رنگ شده بود و آن را در خانه می‌پوشید و رنگ آن به حدی بود که بر بدن حضرت اثر می‌گذاشت»؛ و امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «ما در خانه لباس زردرنگ می‌پوشیم»^۲ (همان، ص ۴۴۸). هنگامی که زن بداند فقط اوست که به قلب شریک زندگی‌اش راه دارد، احساس رضامندی بی‌اندازه‌ای خواهد داشت. زن همیشه دوست دارد از عشق همسرش نسبت به خود مطمئن شود. خوش‌تیپ کردن مرد مطابق سلیقه همسرش و برای همسرش و نه برای دیگران، احساس اطمینان و امنیت به او می‌بخشد. درواقع هیچ چیز برای زن، به اندازه اطمینان از تسخیر قلب شوهر، محبوب او بودن و متعهد ماندن به پیمان زناشویی، حمایت‌گر و آرامش‌بخش نخواهد بود.

۱. أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي

۲. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ لَهُ مَلْحَقَةٌ مُؤَرَّسَةٌ يَلْبَسُهَا فِي أَهْلِهِ حَتَّى يَرِدَّ عَلَى جَسَدِهِ

به‌هرحال، توجه به مسائل ظاهری نیازی متقابل برای همسران است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «زنان بنی اسرائیل از عفت و پاکی دست برداشتند؛ و این مسئله هیچ سببی نداشت، جز آنکه شوهرانشان خود را نمی‌آراستند؛ سپس افزود: زن نیز از مرد همان را انتظار دارد که مرد از او دارد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۳، ص ۱۰۰). وقتی آراستگی زن و شوهر برای یکدیگر صورت گیرد، افزون بر ایجاد روابط پسندیده اخلاقی و روانی و ازدیاد عواطف قلبی، موجبات امنیت روانی و اطمینان زوجین به هم را پدید می‌آورد؛ و این کار، هرگونه بدبینی و تردید در روابط زناشویی را می‌خشکاند و در نتیجه پایه‌های خانواده مستحکم می‌شود؛ در چنین صورتی است که مضمون این آیه شریفه تحقق می‌یابد که فرمود: «آنها لباس شمایند و شما لباس آنها (هر دوزینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)»^۱ (بقره، ۱۸۷). این اطمینان، زمانی بیشتر می‌شود که آراستگی و طرز پوشش هرکدام مورد دلخواه طرف مقابل باشد. در این مسئله، روایت پیشین درباره لباس سرخ‌رنگ امام باقر علیه السلام در سبک پوشش مورد دلخواه همسرش، با وجود دوست‌نداشتن خود، بسیار قابل توجه و آموزنده است.

۳. گشاده‌دستی در مهیاکنندگی

گشاده‌دستی، تأمین بهتر معاش و مهیاکردن امکانات زندگی و اسباب آسایش و راحتی برای اهل خانه، سبب آرامش و پیوند عاطفی و افزایش صمیمیت و قوت روابط محبت‌آمیز بین همسران می‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هرکس صبح کند، درحالی‌که تنش سالم، خاطرش آسوده و معاشش تأمین باشد، از مواهب زندگی مطلوب و آرام برخوردار است» (صدوق، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۴۱۹؛ و ر. ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۴۸). ازاین‌رو ایشان به افراد دارا چنین سفارش می‌کردند: «افرادی که از نعمتی برخوردارند، باید بر زن و فرزند خود گشایش دهند» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۲).

زن عاشق خرید است و دوست دارد شوهرش مسائل مادی او را تأمین کند. در مقابل مرد نیز دوست دارد خودش کار کند، پول درآورد و نیازمندی‌های خانواده را فراهم سازد. اگر مردی کارکرد مهیاکنندگی را در نتیجه کار و تلاش نداشته باشد، احساس مولد بودن و بارآوری را از دست می‌دهد. آموزه‌های فراوانی مرد را به مولد بودن و بارآوری و کار و تلاش تشویق می‌کنند و از تنبلی و خسیس بودن بر حذر می‌دارند. وقتی مرد بخل بورزد، اهل و عیالش احساس رنجش و فشار می‌کنند تا آنجا که گاه آرزوی مرگ او را می‌کنند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «شایسته آن است که انسان بر

۱. هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ

اهل و عیال خود وسعت و گشایش دهد تا مرگ او را آرزو نکنند. سپس ایشان این آیه ﴿وَيُطْعَمُونَ
الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ را تلاوت کرد و فرمود: اهل و عیال انسان، اسیر نعمت‌اند،
شایسته آن است که چون نعمت خدا بر کسی وافر شود، بر اسیران خانواده‌اش وسعت دهد و بر رفاه
آنان بیفزاید. سپس فرمود: خداوند بر فلانی (در آن مجلس حاضر بود) منت نهاد و از نعمت خود
سهمی به او عطا کرد، اما او خانواده‌اش را از فیض نعمت الهی محروم کرد و عطای الهی را نزد
دیگران به امانت سپرد و خداوند امانت او را تباه کرد و حسرت آن بر جا ماند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴،
ص ۱۱). البته این بدان معنا نیست که اهل خانه رفاه‌طلبی و زیاده‌خواهی اختیار کنند؛ بلکه بهترین
ثروت، قناعت است و از نعمت‌های الهی به مرد، داشتن زن قانع در زندگی است. حضرت زهرا علیها السلام
می‌گوید: من به توصیه پدرم عمل می‌کنم که فرمود: «از همسرت اطاعت کن و از او چیزی نخواه
که در توانش نباشد». آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «این توصیه را همواره از پیامبر دارم که
از پروردگار خود حیا می‌کنم چیزی از همسرم بخواهم که در توانش نباشد» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۱۶).

کارکردها و شیوه‌های ارتباطی زنان

۱. صیانت در مراقبت‌کنندگی

با وجود این‌که مردان در برابر کار و بارآوری خود را مسئول می‌دانند، زنان با کنش مراقبتی، خود را
در برابر دیگران مسئول می‌دانند و آنها از این‌که کیان خانواده به خطر نیافتد، احساس مسئولیت
می‌کنند. در واقع مراقبت کردن از موضوع عشق و مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران «هسته اصلی
اخلاقیات» زنان بوده و زمینه تشکیل «خود» را فراهم می‌کند؛ یعنی هویت زن را نقش
مراقبت‌کنندگی و محافظت‌کنندگی او تشکیل می‌دهد. زن زمانی احساس رضامندی می‌کند که در
کنار تمام برنامه‌های فوق‌العاده خود بتواند از کارکرد مراقبتی برای اعضاء خانواده، به نحو شایسته‌ای
استفاده کند (پناهی و جان بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶؛ خطیب، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

گرچه پاسداری و حفظ کیان خانواده و صیانت از شخصیت اجتماعی و حیثیت این نهاد مقدس بر
عهده هر یک از اعضای خانه است، اما زن به‌مثابه ناموس مرد و نماینده‌امین او در منزل، در حفظ
حریم و ارزش‌های خانواده مسئولیت بیشتری دارد. زن باید خود را از نامحرمان بپوشاند، با بیگانگان ارتباط
معاشرتی نداشته و در برخورد با نامحرم رفتارش متکبرانانه و بزرگ‌منشانه باشد تا کسی به او طمع
نورزد. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: بهترین صفات زنان، بدترین صفات مردان است: تکبر، ترس و



بخل؛ زیرا وقتی زن متکبر باشد از نامحرم خودداری می‌کند و به کسی جز شوهرش سر فرود نمی‌آورد و اگر بخیل باشد مال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و اگر ترسو باشد در هر حادثه‌ای که پیش آید، احتیاط می‌کند (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۹).

از آنجاکه مسئولیت امنیت روانی خانواده برعهده زن است، اسلام از زن انتظاری متناسب با این جایگاه دارد. در واقع، چون تحکیم و بقای خانواده به بانوی خانه وابسته است، در آموزه‌های اسلامی بالاترین زینت و نهایت سعادت برای مرد، برخورداری از همسری شایسته معرفی شده است: «هیچ فایده‌ای به کسی نمی‌رسد، بهتر از این که برایش بانویی باشد که نگاه کردن به او و مصاحبت با او موجب شادمانی همسر و در غیاب شوهر، امانت‌دار و حافظ حریم خویش و خانواده و اموال شوهر باشد»^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۷).

امام صادق علیه السلام در حدیث نثرالذکر، راز ایجاد اطمینان و امنیت روانی را در اعتماد یافتن به همسر از طریق خویشتن‌داری، صیانت و محافظت خود از هر نوع پلیدی و آلودگی معرفی می‌کند: صِبَاةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قَلْبُهُ إِلَى الثَّقَةِ بِهَا فِي حَالِ الْمَحْبُوبِ وَالْمَكْرُوهِ؛ خویشتن‌داری و حفظ کردن خود از هر پلیدی و آلودگی تا شوهرش با اعتماد داشتن به او در هر شرایط خوشایند یا ناخوشایند، در اطمینان و آرامش به سر برد.

یکی از نیازهای مرد این است که نماینده‌ای امین و مورد اعتماد در خانه داشته باشد. زن نماینده و سرپرست در خانه شوهر است و مسئولیت مراقبت و محافظت همه‌جانبه از آن به عهده اوست^۲ (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶). این کارکرد زمانی می‌تواند رخ دهد که زن صفت اساسی پرهیزکاری و خویشتن‌داری داشته باشد تا حتی در شرایط ناخوشایند نیز بتواند از خود و از کیان خانواده مراقبت و حفاظت کند؛ بنابراین زن نقش محوری در دایره خانواده ایفا می‌کند و آن تحکیم خانواده از فروپاشی است.

۲. رسیدگی در پرورش‌دهندگی

زن مظهر رشددهندگی و بالندگی است و در «مرکز دایره» به «مراقبت و پرورش» می‌پردازد؛ و مرد

۱. مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمًا فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَطَبِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحَفَّظَهُ إِذَا عَابَ عَثَّهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ

۲. الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ

همانند «محیط دایره»، از زن «حمایت» می‌کند. این نکته، نشانگر جایگاهی ویژه زن در خانواده است. میلر می‌گوید زنان احساس بی‌قدرتی می‌کنند حال آنکه قدرت آنان در این است که می‌توانند دیگران را رشد و پرورش دهند. وی با این معنا، قدرت‌دهی به دیگران و توانمندسازی آنان را مهم‌تر از اقتدار می‌داند. زن، اعضای خانواده را بر پایه اعتماد به نفس و خودارزشمندی رشد داده و توانمند می‌سازد و این، نقطه اقتدار اوست. موفق‌ترین زنان کسانی‌اند که به خوبی از کارکرد پرورش‌دهندگی خود در جهت رشد و تربیت جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی اعضای خانواده بهره‌گیرند (خطیب، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

از جمله مهم‌ترین راهکارهایی که زنان در ارتباط میان خود و همسرشان می‌توانند به‌کارگیرند و اتفاقاً مطابق گرایش‌های ذاتی آنان در امر پرورندگی است، رسیدگی به شوهر است. مردان دوست دارند که همسرشان به آنها برسند و در واقع این‌گونه عادت کرده‌اند و کودک درونشان مطالبه پرورندگی دارد و به قول معروف گفته می‌شود که «مردان، کودکی با سیل و قامتی بزرگ‌اند». آنها با رسیدگی به شوهر می‌توانند روابط میان خود را گرمی بخشند. مردان نیز در مقابل رفتار فداکارانه همسرشان، مهربانی و عطف نشان می‌دهند: حَيَاتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا؛ رسیدگی به شوهرش [دومین خصلتی که زن می‌تواند داشته باشد] تا اگر لغزشی هم از او سرزند، شوهرش به مهربانی و عطف با او برخورد کند (گذشت در مقابل فداکاری). «حیاطت» به معنای رسیدگی، نگهداری و دور همسر چرخیدن است. از نظر لغوی دو معنا برای آن ذکر شده است؛ اول «برگرد کسی حلقه زدن و نگهداری کردن» و دوم به معنای «دفاع و پشتیبانی کردن»^۱ (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۴۳؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۴) شبیه همان کارهایی که مادر برای فرزند خود انجام می‌دهد، اما به شکل همسرانه نه مادرانه تا با اقتدار شوهر منافات نداشته باشد.

یکی از فضیلت‌های زن، شوهرداری خوب و انجام کارهای منزل است؛ «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است»^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹ و ۵۰۷). رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «حَقُّ مَرْدٍ بَرِّزَنَ اِيْنِ اسْتِ قَبَالِ وِي رُوْدٍ وَاخُوْشْ اَمَدٌ بَگُوِيْدُ وَاثُتُّ وَاوَلَهُ بَرَايْشِ بَبَرْدٍ وَادَسْتَانِشْ رَا بَشُوِيْدُ وَا بَدُوْنِ عَذْرِ شَرْعِي، خُوْد رَا اَز اُو مَنَعْ نَكُنْد» (طبرسی، ۱۳۷۰،

۱. دَبَّ عَنْهُ: از وی دفاع و حمایت کرد؛ دَبَّيْتُ عَنْهُ: زنبور و مگسی را از او دور کردم

۲. جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُلِ

ص ۲۱۴). فراهم نمودن اسباب استراحت و آسایش شوهر در منزل، تهیه غذای مناسب و تمیز و مرتب نمودن منزل و لباس‌ها، از جمله مصادیق رسیدگی است که سبب خشنودی وی و در نتیجه روابط صمیمانه بینشان می‌گردد.

۳. دلربایی در مهرورزی

از ویژگی‌های مهم زنان، برخورداری از کارکرد «عشق‌ورزی» است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بهترین زنان شما مهرورزند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲۴). کلیدهای عاطفه و رموز ایجاد ارتباط قلبی، در دست زن است. معاشقه و مهرورزی، امر مهمی است که زن و شوهر باید در روابط و تعامل خود نسبت به هم داشته باشند. حضرت فاطمه علیها السلام که سبک زندگی او بهترین الگوی زندگی بانوان است با گشاده‌رویی با همسرش رفتار می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۷) و حتی در محضر پدرش، با ابراز محبت به امیر مؤمنان علیه السلام، از او با احترام یاد می‌کرد. در مقابل، امام علی علیه السلام نیز می‌فرمود: «هرگاه به فاطمه نگاه می‌کنم، همه دردها و رنج‌ها و غصه‌ها را از یاد می‌برم» (ربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۷۳).

احساسات و عواطف قوی و پرشور و زیبایی و جذابیت دلبرانه است که زنان را از مردان متمایز می‌سازد. «زن از مرد شجاعت و دلیری می‌خواهد و مرد از زن زیبایی و دلربایی» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۷۵). زن با مسلح بودن به سلاح محبت، احترام و دلبری به سهولت می‌تواند در عمق جان مرد نفوذ کرده و روحش را با روان خویش دمساز و هماهنگ سازد؛ چراکه مردان همواره دوست دارند همسرشان با عشق و احترام با آنان برخورد کنند.

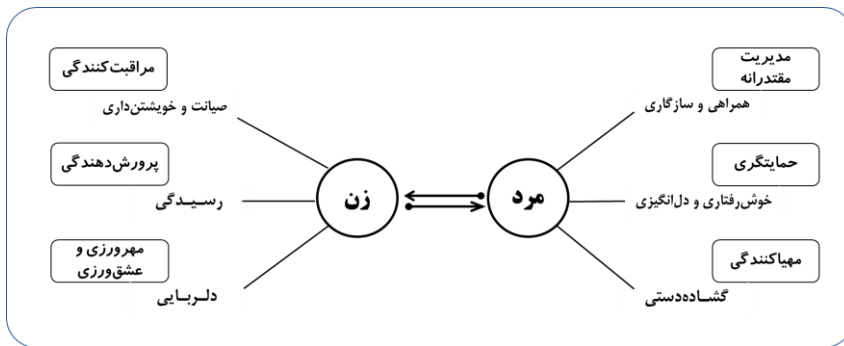
زنان به لحاظ احساسی و عاطفی، غنی‌تر و زلال‌تر و در ابراز احساسات و عواطف گویاتر و سریع‌ترند؛ اما در مقابل، مردان به زمان بیشتری نیاز دارند تا با تمام احساساتشان ارتباط برقرار کنند. رویکرد عاطفی، متواضعانه، دگرخواهانه و پیوندجویانه زن به مسائل زندگی، گاهی می‌تواند قدرتمندترین مردان و سرسخت‌ترین دل‌ها را به انعطاف و مدارا بکشاند (گنجور، ملکوتی‌خواه و موسویان‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۸۷ و ۸۸).

گاهی تصور می‌شود که مرد باید همواره به همسر خود ابراز محبت کند؛ اما زن نیز باید به شوهر خود عشق ورزیده، از اظهار محبت به او دریغ نکرده و علاقه خود را به گونه‌ی متناسب ابراز کند. در حقیقت، نیاز انسان به محبت از مهم‌ترین کشاننده‌های روان‌شناختی در تمام مراحل رشد است که این نیاز در مردان پس از ازدواج، به‌طور ویژه از طرف همسر برآورده می‌شود. مردی که همسرش

به او عشق می‌ورزد و آن را به‌ویژه با طنّازی و دلبری نشان می‌دهد، از روحیه‌ای شاد و بانشاط برخوردار می‌شود که این مسئله انگیزه او را در جهت تلاش برای تأمین نیازهای خانواده و همسر افزایش می‌دهد.

ابراز عشق و علاقه با دلربایی و آراستگی ظاهری، سومین خصلتی است که امام صادق ع در حدیث نثرالدّرر به زنان توصیه می‌کند تا در ارتباط با شوهر همراهشان، داشته باشند: «**اِظْهَارُ الْعِشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ**؛ اظهار عشق به او با عشوه و دلربایی و آراستگی و زیبا جلوه دادن خویش در نظر او». آنچه در این حدیث برجسته است، تفاوت در گونه‌های ابراز محبت و اظهار عشق و تفاوت‌هایی است که زن و مرد به‌صورت مصادیقی و در عمل در این زمینه به آن نیاز دارند. اگر نیاز عشق‌ورزی زن به‌صورت کلامی و شنیداری است، نیازهای مرد بیشتر دیداری و جنسی است. به همین دلیل در حدیث فوق به دو گونه «خلابه» و «هیئت حسنه» اشاره می‌کند. خلابه به معنای عشوه و طنّازی و ناز و کرشمه در مقابل همسر است. ظاهر زیبا، لباس مناسب، آرایش و به‌طورکلی جلوه‌نمایی زن بایستی آن‌گونه باشد که نیاز دیداری مرد را تأمین کند و در نظر وی خوش آید و موردپسندش باشد.

بنابراین، طبق آموزه‌های اسلامی و مبتنی بر متن هسته‌ای نثرالدّرر، در مجموع می‌توان الگوی متناظر سه‌گانه زیر را برای کارکردهای و شیوه‌های رفتاری اختصاصی زن و شوهر در روابطشان ارائه داد:



شکل ۱: الگوی سبک اسلامی ارتباط همسران، به همراه کارکردها و ویژگی‌های رفتاری

بحث و نتیجه‌گیری

هر یک از همسران برای تقویت روابط زناشویی خویش و افزایش توان کارکردهای اختصاصی خود

به مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری نیازمندند. مدیریت مقتدرانه، حمایت‌گری و مهیاکنندگی، سه کارکرد اساسی مرد و مراقبت‌کنندگی، پرورش‌دهندگی و مهرورزی سه کارکرد اساسی زنان است که باید به خوبی آن نقش‌ها را در خانواده ایفا کنند تا سطح کیفیت زناشویی و سطح سازگاری و کارآمدی آنها افزایش یابد. آموزه‌های اسلامی با محوریت حدیث ثرالذکر، سبکی را از روابط بین همسران ارائه می‌کند که در آن سه ویژگی رفتاری یا شیوه ارتباطی برای هر یک از زن و شوهر به صورت اختصاصی معرفی می‌شود که می‌توانند در کارکردهای اساسی هر یک از آنان تعریف شوند. این سبک رفتاری سه‌گانه در ارتباط بین همسران در راستای نقش‌ها و کارکردهای سه‌گانه آنان مدل و الگوی خاصی را از این زاویه بازنمایی می‌کند که متمایز و البته همسو با مدل‌ها و الگوهای رفتاری و تعاملی در روابط همسران همچون مدل مک‌مستر^۱ (FAD) و السون^۲ (۲۰۱۱) و نیز مدل‌های ارائه شده با رویکردهای اسلامی همچون مدل حیرت، فاتحی زاده، احمدی، بهرامی و اعتمادی (۱۳۹۶) است. این مدل‌های پیش‌گفته، با وجود گستردگی در ابعاد خانواده یا شیوه‌های رفتاری، کارکردها و سبک‌های ارتباطی را به صورت اختصاصی و مجزا برای زن و شوهر بیان نکرده‌اند اما الگوی به‌دست‌آمده در این پژوهش به صورت اختصاصی بدان پرداخته است.

بر اساس نتایج این پژوهش، مرد همچون مدیری در خانواده که نیازمند اقتدار است و با برخورداری از ویژگی همراهی و سازگاری می‌تواند این نقش را به بهترین نحو ایفا کرده و همسر خود را با تمام وجود و از صمیم قلب با خود همراه سازد. مردان موفق کسانی‌اند که بتوانند به خوبی از همسر خود حمایت کنند. به‌راستی آنها چگونه می‌توانند این کارکرد را داشته باشند؟ با آراستگی مرد به خلق و خوی پسندیده و اخلاق و رفتار نیکو، زن احساس حمایت و پشتیبانی می‌کند و با آراستگی ظاهری موردپسند و دل‌انگیز زن که نشانگر علاقه شوهرش به اوست به آرامش دست می‌یابد. مردانگی هر مردی با مهیاکنندگی و تأمین امکانات و اسباب آسایش خانواده است. توسعه و گشاده‌دستی نیز سومین ویژگی است که مرد می‌تواند به کار گیرد تا روابطش با همسرش را بهبود و ارتقاء بخشد.

کارکرد مراقبت‌کنندگی و پرورش‌دهندگی، زن را در مرکز حفظ و تعالی خانواده قرار می‌دهد. زن

1. McMaster

2. Olson, D

با صیانت خویش از هر آلودگی و رسیدگی و حیاطت به شوهر می‌تواند رضایت او را به دست آورد و کیان خانواده و روابط زناشویی را تحکیم بخشد. اظهار عشق همراه با دلربایی و جلوه‌نمایی نیز سومین شیوه‌ای است که زن می‌تواند کارکرد مهرورزی و عشق‌ورزی در ارتباط با همسرش را به نحو احسن ایفا کرده و در عمق قلب و جان مرد نفوذ کند و قدرت نرم خود را در پیوند زناشویی‌شان به نمایش بگذارد.

همسران وقتی که این کارکردها و شیوه‌های ارتباطی را به خوبی در تعامل خویش به‌کارگیرند، پیش‌بینی می‌شود که همسو با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها، از جمله اپستین و همکاران، (۲۰۰۵)؛ ناتانیل و دیوید (۲۰۰۶)؛ یالسن و کارهان (۲۰۰۷)؛ موسوی (۱۳۹۲)؛ سلم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳)؛ حیرت و همکاران (۱۳۹۳) و باقریان و بهشتی (۱۳۹۰)، توان کارآمدی و سازگاری‌شان و به‌طورکلی کیفیت زندگی و صمیمیت زناشویی‌شان افزایش یافته و بنیان ازدواج آنها بیش‌ازپیش تحکیم یابد. این‌گونه همسران روابط خود را خوب توصیف کرده و از زندگی خود ابراز رضایت می‌کنند و در کل خود را زوج خوشبختی می‌دانند. در همین راستا، اسچوماچر و لئونارد (۲۰۰۵)، درباره ویژگی‌های همسران سازگار و دارای روابط سازنده و دارای تعامل مطلوب به هفت ویژگی اشاره می‌کنند:

۱. خود را خوشبخت می‌دانند ۲. نیازهای جسمانی و عاطفی‌شان کاملاً ارضا می‌شود ۳. هر یک از آنان زندگی همسرش را بارور می‌سازد ۴. فضای روابط زناشویی آنان به‌گونه‌ای است که شخصیت هر یک از زن و شوهر محترم شمرده شده و به هر یک امکان می‌دهد تا استعدادهای ذاتی خود را شکوفا سازند ۵. از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند و هیچ‌کدام «من» دیگری را تهدید نمی‌کنند و از بودن با همدیگر احساس آرامش می‌کنند ۶. نسبت به یکدیگر درک و پذیرش متقابل دارند ۷. رابطه زن و شوهر نسبت به نیازهای یکدیگر، به شکل‌های مراقبت، توجه به رفاه و خوشبختی یکدیگر، احترام متقابل و احساس مسئولیت اختیاری (نه اجباری)، نمودار می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، «تحلیل کیفی متن: استقرا/قیاس»، دوفصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، س ۱، ش ۱، ص ۸۳-۱۰۲.

اربلی، علی‌بن‌عیسی (۱۳۸۱ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمة، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی‌هاشمی.

- ایازی، سیدمحمدعلی و ناصحی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی ساختار توزیع قدرت در رابطه زن - شوهر در خانواده از نگاه آیات و روایات»، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۱۳ - ۱۳۳.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۶).
- بارون‌کوهن، سیمون (۱۳۸۴)، زن چیست؟ مرد کیست؟ تفاوت‌های اساسی زن و مرد، ترجمه گیسو ناصری، تهران: انتشارات پل.
- باقریان، مهرنوش؛ بهشتی، سعید (۱۳۹۰)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بر سازگاری زناشویی زوجین»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، س ۲، ش ۶، ص ۷۸ - ۹۴.
- بستان، حسین (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۶)، «درآمدی بر روش فهم معارف روان‌شناختی از احادیث»، علوم حدیث، سال ۱۲ ش ۳ و ۴، پیاپی ۴۵ و ۴۶، ص ۸۸ - ۱۰۹.
- پناهی، علی‌احمد و مسعود جان بزرگی (۱۳۹۶)، روان‌شناسی زن و مرد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۴)، «سبک اهل بیت (علیهم‌السلام) در همسررداری»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۹، ش ۱۶، ص ۱۰۵ - ۱۳۴.
- حرانی، حسن‌بن‌علی بن‌شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- حیرت، عاطفه و همکاران (۱۳۹۶)، مدل رابطه رفتاری زوجین با رویکرد اسلامی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره سوم، ش ۲، ص ۳۲۷ - ۳۶۰.
- حیرت، عاطفه؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ احمدی، سیداحمد؛ اعتمادی، عذرا؛ بهرام، فاطمه (۱۳۹۳)، نقش ابعاد سبک زندگی زوجی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی، زن و جامعه، س ۵، ش ۲، ص ۱۴۵ - ۱۵۸.
- خطیب، سیدمه‌دی (۱۳۹۰)، این نقش‌ها واقعی است: نقش‌های زناشویی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ذوالفقارپور، محبوبه؛ حسینیان، سیمین؛ یزدی، سیده منوره (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه میان ساختار قدرت در خانواده بارضامندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار شهر تهران»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ش ۱۱، ص ۳۱ - ۴۶.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دارالعلم اللداری الشامی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۰)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زارعی، محمد؛ مسعود جان بزرگی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، س ۶، ش ۳، ص ۵۳ - ۷۰.
- زمخشری، محموددین‌عمر (۱۹۷۹)، أساس البلاغه، بیروت: دار صادر.
- زیمون، فریتس؛ کلمنت، اولریش؛ اشتیرلین، هلم (۱۳۷۹)، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده‌درمانی، ترجمه سعید پیرمادی، اصفهان، همام.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساعی، علی (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی، تهران: سمت.
سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۹۱)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
سلم‌آبادی، مجتبی؛ کلانتر کوشه، سیدمحمد؛ شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۳)، «تدوین مدل سازگاری زناشویی با توجه به سبک زندگی اسلامی و کمال‌گرایی معلمان دوره متوسطه بیرجند»، پژوهش‌های مشاوره، س ۱۳، ش ۵۲، ص ۵۱-۷۳.

سیدرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
سیدرضی، محمدبن حسین (۱۴۲۲)، المجازات النبویه، قم: دارالحدیث.
صدوق، محمد بن علی بابویه قمی (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی.
صدوق، محمد بن علی بابویه قمی (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان.
صدوق، محمد بن علی بابویه قمی (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم: داوری.
صدوق، محمد بن علی بابویه قمی (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی.
طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کیوی، رمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۹)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: توتیا.
گنجور، مهدی؛ ملکوتی خواه، اسماعیل؛ موسویان‌نژاد؛ فهیمه‌سادات (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر از دیدگاه اسلام»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۳، ش ۵۲، ص ۵۵-۱۰۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا.
محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، با همکاری عباس پسندیده و ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۲)، نقش عملکرد خانواده (مبنتی بر الگوی مک مستر) در پیش‌بینی نگرش‌های صمیمانه و توافق زوجین خانواده‌های شهر قزوین، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، س ۳، ش ۳، ص ۴۰۱-۴۱۸.
نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۷)، روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)، رساله دکتری روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره.
ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰)، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه.

Epstein, N. B; Chen, F. & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. Journal of Marital Family Therapy, 31(1):59-74.



- Gottman, J. M. (1993). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology*, 7(1), 57-75.
- Lee, D. & Howard, N. (1995). *The Problem of Sociology*. London and New York, Routledge.
- Markowski, E. M., & Greenwood, P. D. (1984). Marital adjustment as a correlate of social interest. *Individual Psychology*, 40(3), 300-308.
- Marshall, Catherine and Gretchen B Rossman. (2006). *Designing Qualitative Research*. London: SAGA.
- Moser, Claus A. and Graham Kalton (2016). *Survey Methods in Social Investigation*. London & New York: Routledge.
- Nathaniel, M & David, C. (2006). Family relation. *Journal of family therapy*, 34, 65-78.
- Olson, D. (2011). FACES IV and the Circumplex Model: Validation study. *Journal of Marital and Family Therapy*. 37(1), 64-80.
- Schumacher, J. A., & Leonard, K. E. (2005). Husbands' and Wives' Marital Adjustment, Verbal Aggression, and Physical Aggression as Longitudinal Predictors of Physical Aggression in Early Marriage. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73(1), 28-37.
- Yalcin, B. M. & Karahan, T. E. (2007). Effects of a couple communication program on marital adjustment of the American. *Boord of family medicine*, 20, 36- 44.

